**رابطه شب قدر با حجت زمان وامام عصر(عج)**

نويسنده:علی اکبر رضوانی

خداوند متعال در چهارمین آیة سورة مبارکة قدر می‌فرماید:   
تنزّل الملائکة و الرّوح فیها بإذن ربهّم من کلّ أمر.   
فرشتگان و روح، در آن شب به دستور پروردگارشان با هر فرمانی (برای تقدیر هرکاری) فرود آیند.  
فعل مضارع «تنّزل» دلالت بر تکرار و بقاء «لیلةالقدر» دارد، و در آیات سوم و چهارم سورة دخان نیز:  
فیها یفرَق کلّ أمر حکیم.1  
در آن شب، هر فرمانی، برحسب حکمت صادر می‌شود  
دلالت بر تجدد و دوام دارد. زیرا هیأت نحوی باب «تفعّل» اگر دلالت بر پذیرش یا تکلف یا هر دو می‌نماید. ظاهر این فعل‌ها، خبر از تفریق و تنزل امر در لیلةالقدرهای آینده می‌دهد.  
این امر که در زمان رسول خدا(ص) به آن حضرت نازل می‌شده‌است، در هر شب قدر، باید بر کسی نازل و تبیین و تحکیم یا کشف شود که به افق نبوت نزدیک و پیوسته باشد.  
قبول اصل وصایت رسول اکرم(ص) و امامت، ناشی از این معنی و مبتنی بر همین اساس است.  
هنگامی که کسی قرآن را به عنوان کلام خدا پذیرفت به این معنی که همة سوره‌ها و آیات آن را پذیرفته است و یک مسلمان واقعی هم کسی است که تسلیم همة آیات قرآن باشد، پس هر مسلمانی الزاماً باید سورة قدر، و از آن سوره شب قدر، و استمرار آن را تا قیامت بپذیرد و لازمة پذیرفتن آن، آیة (تنزّل الملائکة...) که هر فرد با ایمانی ناگزیر از قبول آن است، این است که بپذیرد که در شب قدر فرشته‌ها و روح از جانب پروردگار با هر امری فرود می‌آیند و این امر یک متولی و ولی می‌خواهد که متولی و ولی آن امر باشد. اینکه خداوند در آیات سوم و چهارم سوره دخان می‌فرماید:  
در آن شب هر فرمانی، برحسب حکمت صادر می‌شود٭ فرمانی از جانب ما، و ما همواره فرستندة آن بوده‌ایم.  
دلالت بر تکرار و تجدید فرق و ارسال در آن شب دارد و به این معنا که آن شب، فرشتگان و روح، در هر سال، دائماً نازل می‌شوند؛ پس باید به طور مدام شخصی به عنوان «ولی» این امر باشد که به سوی او نازل و ارسال گردند که او همان ولی جهان و جهانیان خواهد بود؛ و هم اوست که اطاعتش بر همگان واجب است.  
به همین سبب، هرکس ادعا کرد که من ولی امر هستم، باید ثابت کند که این امر توسط فرشتگان و رو ح بر او نازل شده و می‌شوند، و چون هیچ کس جز پیامبر و اوصیاء معصومینش(ع) نمی‌توانند مدعی این امر باشند و اساساً هم نیستند، باید از اوصیاء و پیامبر همواره کسی باشد که در شب قدر توسط روح و فرشتگان از جانب یزدان هر امری بر او نازل شود.  
آیة مورد بحث، یکی از مستدل‌ترین آیات قرآن کریم بر ضرورت وجود همیشگی یک ولی امر از جانب خداست که امین بر حفظ و اجزاء و اداء امرالهی باشد، و آن همان امام معصوم(ع) است.  
و هرکس نزول پیوستة فرشتگان و روح را در شب قدر بپذیرد که اگر به قرآن ایمان دارد باید بپذیرد، ناگزیر باید ولی امر را هم بپذیرد وگرنه کافر به بعضی از آیات قرآن خواهد بود، که در آن صورت چنین کسی بنابر بیان خود قرآن کریم کافر واقعی است.  
چنان که خداوند در آیات 150 و 151 سورة نساء می‌فرماید:  
إنّ الّذین یکفرون بالله و رسله و یریدون ان یفرّقوا بین الله و رسله و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض و یریدون أن یتّخذوا بین ذلک سبیلاً٭ أولئک هم الکافرون حقّاً و أعتدنا للکافرین عذاباً مهینا .  
کسانی که به خدا و پیامبران خدا کافر شده‌اند و می‌خواهند بین خدا و رسولانش جدایی اندازند و می‌گویند به برخی ایمان می‌آوریم و به بعضی کافر می‌شویم و می‌خواهند در این میان (بینابین) اتخاذ کنند، اینان حقا کافرند و ما برای کفرکیشان عذاب خوارکننده‌ای مهیا کرده‌ایم.  
و می‌بینید که خداوند، کسانی را که پاره‌ای از آیات خدا را بپذیرند و برخی را نپذیرند، کافر حقیقی می‌داند.  
بنابراین مؤمن حقیقی کسی است که هم استمرار لیلةالقدر را تا قیامت پذیرا باشد و هم وجود حجت زمان و ولی امر، و امام معصومی که امر الهی را دریافت می‌کند و امین بر آن در جهت پاسداری، به‌کار بستن و اداء باشد، قبول کند؛ یعنی همان بزرگواری که در زمان وجود مقدس بقیةالله الاعظم حضرت مهدی(عج) می‌باشد و به همین سبب پیامبر خاتم(ص) بنابر آنچه شیعه و سنی از آن حضرت نقل کرده‌اند، فرمودند:  
من أنکر المهدی فقد کفر.2  
کسی که وجود مهدی را انکار کند، رهسپار دیار کفر شده است.  
و در کتب شیعه، از این قبیل احادیث فراوان است، و از آن جمله، از امام صادق(علیه السّلام) و آن حضرت از پدر ارجمندشان و از آن طریق از جد عالیقدرشان و از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که فرموده‌اند:  
القائم من ولدی اسمه إسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنّته سنتی یقیم النّاس علی ملتّی و شریعتی و یدعوهم إلی کتاب الله عزّوجلّ، من أطاعه أطاعنی و من عصاه عصانی، و من أنکره فی غیبته فقد أنکرنی، و من کذبه فقد کذّبنی، و من صدّقه فقد صدّقنی، إلی الله اشکو المکذّبین لى فى أمره، و الجاهدین لقولی و المضلّین لأمتّی عن طریقته و سیعلم الذین ظلموا ایّ منقلبف ینقلبون.1  
قائم از فرزندان من است اسم او اسم من «محمد» و کنیة او، کنیه من «ابوالقاسم» و سیمای او سیمای من و سنت او سنت من است، دین و آیین و ملت و شریعت مرا در بین مردم برپا می‌دارد و آنان را به کتاب خدای عزوجل فرامی‌خواند. کسی که او را طاعت کند، مرا پیروی ‌کرده و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است و کسی که او را در دوران غیبتش انکار کند، تحقیقاً مرا انکار کرده و کسی که او را تکذیب کند هر آینه مرا تکذیب کرده و کسی که او را تصدیق کند، هر آینه مرا تصدیق کرده است. از آنها که مرا دربارة او تکذیب کرده و گفتار مرا در شأن او انکار می‌کنند و امت مرا از راه او گمراه می‌سازند، به خدا شکایت می‌برم. به‌زودی آنها که ستم کردند و می‌دانند که بازگشتشان به کجا است و سرنوشتشان چگونه است (و چگونه در دگرگونی‌ها مجازات ستمگری‌های خود را در دنیا و آخرت خواهند دید).  
در این حدیث شریف انکار و تکذیب امام عصر، اروحنا فداه، انکار و تکذیب پیامبر به حساب آمده است، و در نتیجه همة پیامبران را انکار کرده، که همان رهسپاری به وادی کفر خواهد بود.  
علی بن ابراهیم قمی در تفسیری دربارة نزول فرشتگان و روح، در شب قدر می‌گوید:  
فرشتگان و روح القدس، در شب قدر، بر امام زمان(علیه السّلام) نازل می‌شوند و آنچه را از مقدرات سالانة بشر، نوشته‌اند، به او تقدیم می‌دارند.  
و همین محدث مورد وثوق از حضرت امام باقر(علیه السّلام) نقل کرده، که وقتی از حضرتش پرسیدند: آیا شما می‌دانید که لیلة القدر کدام شب است؟ حضرت فرمودند:  
چگونه ندانیم، و حال آن‌که در شب قدر فرشتگان برگرد ما طواف می‌کنند.3  
حضرت امام سجاد(علیه السّلام)، در این باره، می‌فرمایند:  
همانا سال به سال در شب قدر تفسیر و بیان کارها، بر ولی امر (امام زمان(علیه السّلام)) فرود می‌آید.  
و نیز آن حضرت(ع) فرموده‌اند:  
ای گروه شیعه، با سورة « انا انزلناه فی لیلة القدر» با مخالفین امامت ائمه معصومین(علیهم السّلام) مخاصمه و مباحثه (و اتمام حجت) کنید تا کامیاب و پیروز شوید، به خدا که آن سوره، پس از پیغمبر اکرم(ص) حجت خدای تبارک و تعالی است بر مردم، و آن سوره آقای دین شماست و نهایت دانش و آگاهی ماست. ای گروه شیعه، با «حم و الکتاب المبین؛ انا انزلناه فی لیلة مبارکة اناکنا منذرین» مخاصمه و مناظره کنید، زیرا این آیات مخصوص والیان امر امامت بعداز پیامبر اکرم(ص) است.  
همچنین از رسول اکرم (ص) نقل شده است، که به اصحابشان فرموده‌اند:  
به شب قدر ایمان بیاورید، زیرا آن شب برای علی بن ابی‌طالب(علیه السّلام) و یازده نفر از فرزندان او پس از من خواهد بود.  
از آنچه که نگارش یافت، استفاده می‌شود که شب قدر تا قیامت باقی است و در هر شب قدر هم ولی امر و صاحب امری هست که آن امر را دریافت دارد، که در زمان ما صاحب آن امر صاحب بزرگوار ما حضرت حجة‌ بن الحسن المهدی، ارواحنا فدا، است و برای آن‌که بهتر بدانیم که لیلةالقدر بیانگر مقام شامخ ولایت اهل بیت(علیهم السّلام) و امامت آنان تا روز رستاخیز می‌باشد. حدیثی را هم که در بخش فضیلت‌های حضرت فاطمة زهرا(علیها السّلام) است، ملاحظه می‌کنیم که در آن به طور کنایه از آن بانوی عظیم القدر تعبیر به لیلةالقدر شده است و آن در تفسیر فرات بن ابراهیم از حضرت صادق(علیه السّلام) نقل شده که فرموده‌اند:  
«ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم»، «شب قدر» فاطمه و «قدر» خداست، پس کسی که فاطمه(علیها السّلام) را آنگونه که باید، بشناسد، شب قدر را درک کرده است.  
و این اشاره به مقام ولایت آن بانوی معصوم (علیها السّلام) نیز دارد.  
و از طرفی، همان‌گونه که در شب قدر امر حق بر امام به حق فرود می‌آید، نزول‌گاه نور پاک امامان معصوم(علیهم السّلام) نیز وجود مقدس فاطمة زهرا(علیها السّلام) است؛ که حقیقتاً هرکس آن بانو را شناخت و به عظمت مقام فرزندان معصومش و همسر مظلوم و معصومش پی‌برد، شب قدر را درک کرده است.

**پی‌نوشت‌ها:**

٭برگرفته از: تحقیقی دربارة لیلةالقدر و رابطة آن با امام عصر، ارواحنافداه، صص 149 ـ 132 ، با تلخیص.  
1. سورة دخان (44)، آیة 4.  
2. علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج 51، ص 51؛ منتخب الاثر فصل 10، ب 1، جز 1 ، ص 492.  
3. علامه مجلسی، همان، ج 51، ص 73؛ منتخب الاثر فصل2، ب 3، ح4 ، ص 183.  
4. امراء هستی، ص 190؛ تفسیر القمی، ص 731؛ علامه مجلسی، همان، ج 97، ص 14، جز 23.

**منبع: راسخون**